

مدل ساختاری عوامل اثرگذار بر هوش معنوی ورزشکاران زورخانه‌ای

Structural Model of Factors Influencing the Spiritual Intelligence of the Zorkhaneh Athletes

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۰۸

M.H. Peymanfar, V. Sa'atchian,
B. Eghbali, H.R. Peymanfarمحمد حسن پیمان‌فر^۱، وحید ساعت‌چیان^۲،
بهشته اقبالی هاشجین^۳، حمیدرضا پیمان‌فر^۴

چکیده

Abstract

The psychology of religion and spiritual issues in the past two decades has increasingly focused on industrial psychology. However, the importance of spiritual intelligence in the sport areas and the lack of an instrument to measure the position of spiritual intelligence in the sports environment on the other hand, clarify the necessity of the spiritual heritage and how it affects sports performance of athletes. The study of the correlation is descriptive. Statistic of all the zorkhaneh athletes (N =1100) city of Yazd in 1390 who were randomly selected samples were measured (n =186). Measuring data - questionnaire standardized spiritual intelligence of Hildebrant(2011) with four components, Critical Existential Thinking, Personal Meaning Production, Transcendental Awareness, and Conscious State Expansion that ultimately have using with the PLS statistical method analyzed. Results showed that among all the components (Critical Existential Thinking, Personal Meaning Production, Transcendental Awareness, and Conscious State Expansion) was a significant and positive correlation in level 0/01, which shows the strong structural relationship of each component. The results of AVE statistic showed that, for expression the prediction levels of each component, to express each variance component structures (spiritual intelligence) covering among the influencing factors of spiritual intelligence, Critical Existential Thinking and Conscious State Expansion have a although the highest state of consciousness can be explained by the variance of spiritual intelligence. Also according to the extraction model, the squared correlation explained by structural factors on spiritual intelligence ($R^2: 0.958$) was obtained, which indicates a very good predictor of spiritual intelligence components. Finally According to the results, with develop the structural aspects of spiritual intelligence in ancient such as physically aspect, could go to improve the other aspects, such as the states of awareness and Conscious State Expansion of its spiritual dimension and ultimately lead to develop the level of physical and psychological of athletes.

Key Words: spiritual intelligence, zorkhaneh athletes and validating.

روان‌شناسی دین و مطالعه موضوعات معنوی در دو دهه اخیر، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه روان‌شناسان مدیریتی قرار گرفته است. با این حال، اهمیت هوش معنوی در محیط‌های ورزشی از طرفی و همچنین نبود ابزاری برای سنجش جایگاه هوش معنوی در محیط‌های ورزشی از طرف دیگر، ضرورت بررسی محیط معنوی ورزش باستانی و چگونگی تأثیر آن را بر کارایی و عملکرد ورزشکاران روشن می‌کند. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن تمامی باستانی‌کاران (N=۱۱۰۰) شهرستان یزد در سال ۱۳۹۰ بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند (n=۱۸۶). ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد هوش معنوی هیلدبرانت (۲۰۱۱) با چهار مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی سنجیده شد. یافته‌های آزمون آماری استنباطی PLS نشان داد بین تمام مؤلفه‌ها (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی) ارتباط مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ برقرار است که نشان‌دهنده ارتباط ساختاری بسیار زیاد هر یک از مؤلفه‌هاست. نتایج آماره AVE نشان داد از میان عوامل اثرگذار بر هوش معنوی، تفکر انتقادی وجودی و توسعه حالت آگاهی بیشترین توان تبیین واریانس هوش معنوی را داشتند. همچنین بر اساس مدل مستخرج، مجذور همبستگی تبیین‌شده عوامل اثرگذار بر سازه هوش معنوی ($R^2: ۰/۹۵۸$) به‌دست آمد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت با تقویت یکی از ابعاد وجودی ورزشکاران، مثل بعد جسمانی، می‌توان ابعاد دیگر همچون بعد آگاهی یا توسعه حالات شخصی از بعد معنوی آن‌ها را تقویت کرد و در نهایت، سبب ارتقای سطح جسمانی و روان‌شناختی ورزشکاران شد.

کلیدواژه‌های فارسی: هوش معنوی، باستانی‌کاران (ورزشکاران زورخانه‌ای) و اعتباربخشی.

۱ و ۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی (۲). نویسنده مسؤل

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

۴. کارشناس مشاوره دانشگاه تهران

مقدمه

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی در دانشگاه پپر دین آمریکا^۱ گروهی از پژوهشگران به رهبری پروفیسور الکینز^۲ تصمیم گرفتند معنویت را از دیدگاه انسان‌گرایی و پدیدارشناختی بررسی کنند. این پژوهشگران مفهوم معنویت را از نظر افراد جامعه بررسی کرده، این تعریف را ارائه دادند: «معنویت از واژه لاتین اسپیریتوس^۳ به معنی «نقش زندگی» یا روشی برای بودن و تجربه کردن است که با آگاهی یافتن از بُعدی غیرمادی به وجود می‌آید و ارزش‌های قابل تشخیص آن را معین می‌کند. این ارزش‌ها به دیگران، خود، طبیعت و زندگی مربوطاند و به هر چیزی اطلاق می‌شوند که فرد به‌عنوان هدف غایی قلمداد می‌کند» (۱۷). معنویت^۴ از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها، ذهن‌ها و در آیین‌ها، به‌ویژه آیین‌های مذهبی وجود دارد. فارو^۵ (۱۹۸۳) معنویت را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و فردی می‌داند؛ به سخن دیگر، معنویت خود به تنهایی زمینه‌ای برای رشد و نگرش و نیازمند بیشترین تجربه‌های انسانی است. در این خصوص وست و وان^۶ از جمله روان‌شناسان معروف، معنویت را تلاش همواره بشر برای پاسخ به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند.

امروزه، روان‌شناسی دین^۷ و مطالعه موضوعات معنوی در دو دهه اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. مطالعات در زمینه‌های روان‌شناسی، عصب‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم شناختی نشان داد علاوه بر بهره‌مندی هوشی (IQ) و هوش هیجانی (EQ)، هوش سومی هم وجود دارد که از آن

با نام هوش معنوی^۸ یاد می‌شود (۱۶). صاحب‌نظران روی مسائل بنیادی این سه هوش اختلاف دیدگاه دارند. بهره‌مندی هوش معنوی فقط برای انسان مطرح است و مانند بهره‌مندی هوشی IQ نیست که کامپیوترها نیز آن را دارند یا هوش هیجانی EQ که در پستان‌داران رده‌های عالی هم دیده می‌شود.

اهمیت این موضوع باعث شده است تا در چند سال اخیر مفهوم جدیدی با عنوان هوش معنوی وارد حوزه روان‌شناسی دین شود. هوش معنوی که توسط ایمونز^۹ (۲۰۰۰) استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد و نیز زوهر و مارشال^{۱۰} (۲۰۰۰) شهرت یافته به‌عنوان توانایی ایجاد معنایی مبتنی بر فهم عمیق سؤالات وجودی و نیز آگاهی و توانایی استفاده از سطوح چندگانه آگاهی در حل مسئله تعریف شده است (۱۳)، (۲۹).

از طرفی باید اذعان داشت که هوش معنوی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه یافته است. هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون سازه‌های جدید ترکیب می‌کند (۱۶). هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد؛ به سخن دیگر، با استفاده از هوش معنوی می‌توان میل و قابلیت فرد را برای رسیدن به مقصود و ارزش رشد داد؛ زیرا هوش معنوی به فرد امکان می‌دهد دارای این قابلیت‌ها باشد و برای رسیدن به آن سخت تلاش کند (۵).

در فرآیندی کاواناق و باندساج^{۱۱} (۲۰۰۲) بیان کردند که معنویت در رشد اخلاقی فردی مؤثر است و این خود به دستیابی سازمان (تیم) به اهداف منجر

1. Peperdain University
2. Alkinz
3. Spirituality
4. Spirituality
5. Farrow
6. West&Wann
7. Psychology of Religion

8. Spiritual Intelligence
9. Imonz
10. Zohar, D, Marshall, I
11. Cavanaugh & Bandsuch

می‌شود. در فرآیند زیر، نقش مثبت معنویت در شکل- تقویت محیط کاری منجر می‌شود (۹).
گیری شخصیت ارائه شده است که در نهایت به

معنویت ← ارزش‌ها ← تکرار عملکرد ← رفتارهای اخلاقی مناسب ← شخصیت ← مزایای محیط کاری

شکل ۱. فرآیند معنویت تا مزایای محیط کاری، کاو اناق و باندساج (۲۰۰۲)

خطر رابطه دارند (۲۸). هوش معنوی که به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده راهبردهای مقابله با استرس مطرح شده است، بیانگر توانایی به‌کار بستن ظرفیت‌های معنوی برای افزایش سازگاری و در نتیجه سلامت روان انسان (۳) است، هدفی که می‌توان آن را با شرکت در فعالیت‌های ورزشی دنبال کرد.

در این میان، شرکت افراد در مسابقات و فعالیت‌های ورزشی نیازمند دلایل گوناگونی است. دست یافتن به سلامتی، موفقیت و پیروز شدن در میداين رقابت، مدیریت استرس، اجتماعی شدن، به آرامش رسیدن و بهبود سیرت و فضایل اخلاقی از جمله این دلایل است، اما یکی از مشکلات اصلی در ورزش‌های امروزی در تمام سطوح شیوع رفتارهای ناشایست است، به‌طوری که امروزه بی‌توجهی به آن ضربه‌های جبران‌ناپذیری را بر بدنه ورزش کشور وارد می‌کند. والر استول^۲ (۲۰۰۴) اعتقاد دارد ورزش در آمریکا به نقطه بحرانی نزدیک می‌شود و غالباً تجارب ورزشی ورزشکاران، در سیرتشان تأثیر منفی دارد که این می‌تواند به‌دلیل ضعف جو معنوی در ورزش آمریکا باشد. همچنین محققان سیرت نکوی ورزشکاران را بر حسب چهار فضیلت غمخواری، انصاف، جوانمردی و صداقت توصیف می‌کنند. آن‌ها باور دارند که دارا بودن این خصوصیات یا فضایل، انجام رفتارهای اخلاقی را در ورزش آسان می‌کند (۱۲).

زوهار و مارشال (۲۰۰۰) بر آن‌اند که تجربه‌های

امرام و درایر^۱ (۲۰۰۷) هفت مؤلفه را برای هوش معنوی مطرح کردند که به ترتیب عبارت‌اند از: هوشیاری که آگاهی و خوددانی رشد یافته است؛ فیض الهی که به زندگی همراه با تظاهر عشق الهی و اعتماد در زندگی تعبیر می‌گردد؛ معنایی که به معنی دار بودن فعالیت‌های روزمره از طریق احساس هدفمندی و حس وظیفه‌شناسی در روبرو شدن با رنج‌ها و مشکلات زندگی تعبیر می‌شود تعالی که به حرکت فراتر از خویشتن منفرد به کلیتی به هم پیوسته اطلاق می‌شود. حقیقت که به زندگی با پذیرش و گشاده‌رویی، کنجکاو و عشق برای تمام مخلوقات و در نهایت داشتن حس صلح و آرامش نسبت به خویشتن (حقیقت، خداوند و ذات حقیقی) تقسیم می‌گردد (۱۶).

پژوهش‌های فراوان نشان داده است که معنویت بنیاد و پایه نهادهای مذهبی است و اصولاً معنویت حس پیوسته فرد در ارتباط با خود، جهان، دیگران و دنیای بالاست؛ یعنی معنویت حسی والاست که شور و شوق گرایش و کنش انسان را برای عدالت‌خواهی و انصاف افزایش می‌دهد و هم‌نوایی و پیوستگی با خود و جهان آفرینش پدید می‌آورد (۱۵، ۲۵).

پژوهش کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱) نشان داد نمرات کلی هوش عاطفی و هوش معنوی به‌طور مثبت و معنی‌داری نمره کلی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند (۷). در خصوص اهمیت معنویت در کار، پژوهش‌ها نشان داده‌اند نگرش‌ها، باورهای مذهبی و اعمال معنوی با کاهش استرس‌ها و پیشگیری از رفتارهای پر

1. Emram& Derayer

2. Valler, stoll

طرف دیگر، ضرورت دارد محیط معنوی ورزش باستانی و چگونگی تأثیر آن بر کارآیی و عملکرد ورزشکاران بررسی شود تا از این طریق بتوان نقش این هوش را بیشتر بازبینی کرد و در نهایت بتوان با همخوان کردن ابزارهای برای سنجش معنویت در سایر محیط‌های ورزشی به مقایسه جایگاه آن در ورزش پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن تمامی باستانی‌کاران (N=۱۱۰۰) شهرستان یزد در سال ۱۳۹۰ بودند.^۳ با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و بر اساس جدول حجم نمونه مورگان ۱۸۶ نفر از باستانی‌کاران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. این افراد در زورخانه‌های این شهرستان مشغول فعالیت بودند. با توجه به اینکه مقدار معیار کایزر، مایر، ال‌کین^۴ برای تعیین کفایت اندازه نمونه برابر ۰/۷۰۸ بود و سطح معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت برای بیان همبستگی بین متغیرها ۰/۰۰۱ گزارش شد، تعداد نمونه‌ها برای تجزیه و تحلیل آماری جامعیت لازم را داشت.

ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد هوش معنوی هیلدبرانت (۲۰۱۱) بود که حاوی ۲۴ سؤال است و بر اساس مقیاس اندازه‌گیری پنج ارزشی لیکرت (یک برای خیلی مخالفم، ۲ برای مخالفم، ۳ برای بی‌نظر، ۴ موافقم، ۵ خیلی موافقم) ارزش‌گذاری می‌شود. با استفاده از این پرسشنامه، ابعاد هوش معنوی شامل: تفکر انتقادی وجودی^۵، تولید معنی شخصی^۶، آگاهی^۷ و توسعه حالت آگاهی^۸ سنجیده شد.

معنوی، بینشی ژرف پدید می‌آورد که چشم‌اندازهایی نو به زندگی باز می‌کند (۲۹). این بینش و چشم‌انداز تازه شخص (ورزشکار) را قادر می‌کند که به خوبی از عهده کارها برآید و به‌گونه‌ای خلاق راه‌حلی‌هایی تازه برای مسائل زندگی خود برگزیند، اما پرورش و توسعه فضایل اخلاقی نیازمند فضای معنوی و روحانی است، فضایی که به نظر می‌رسد در کشور ما در ورزش باستانی بیشتر دیده می‌شود.

همان‌گونه که پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد توانایی‌های معنوی می‌تواند اثرات مثبت و سودمندی برای فرد (ورزشکار) به ارمغان آورد، به‌خصوص هنگامی که این نتایج بر اساس محیط اجتماعی و فرهنگی افراد ارزشیابی شود (۶). هرچند در کشورهای غربی سعی شده است که معنویت و هوش معنوی در چارچوب فرهنگی آنان تعریف و مؤلفه‌های آن مشخص شود، به نظر می‌رسد در فرهنگ اسلامی ایرانی متون فراوانی وجود دارد که در آن‌ها از عمیق‌ترین صفات، حالات و کیفیت معنوی صحبت شده است. همچنین شخصیت‌های زیادی وجود دارند که می‌توان با مطالعه ویژگی‌ها و صفات آن‌ها به مؤلفه‌های بسیار عمیقی از معنویت و هوش معنوی دست یافت (۲).

با این اوصاف، ورزش باستانی در ایران و به‌ویژه در استان یزد که پهلوانان نامی همچون پهلوان یزدی بزرگ^۱، پهلوان یزدی کوچک^۲ و ... را در خود پرورش داده است، در فضای معنوی خاصی برگزار می‌شود. به‌طوری که شروع ورزش با دعا و اختتام آن نیز با دعا انجام می‌شود؛ بنابراین با توجه به اهمیت هوش معنوی در محیط‌های ورزشی از طرفی و نبود ابزاری برای سنجش جایگاه هوش معنوی در محیط‌های ورزشی از

۳. استان یزد در حال حاضر دارای ۶۰ زورخانه، ۲۳۰۰ باستانی‌کار و ۱۴۸ مرشد دارای کارت فعالیت است و همچنین هیئت ورزش باستانی این استان در سال ۱۳۸۹ رتبه برتر هیئت‌های ورزشی کشور را کسب کرد.

4. KMO

5. Critical Existential Thinking

6. personal Meaning Production

7. Transcendental Awareness

8. Conscious State Expansion

۱. پهلوان ابراهیم یزدی (۱۲۴۵-۱۳۲۰) معروف به پهلوان یزدی بزرگ یا به اختصار یزدی بزرگ، از پهلوانان نامور ایران در عهد قاجار بود و برای سالیان مدید پهلوان اول دارالتحافه ناصری و صاحب بازوبند پهلوانی محسوب می‌شد.

۲. پهلوان محمد عبیل (۱۳۲۰-۱۳۵۰) معروف به پهلوان یزدی کوچک یا به اختصار یزدی کوچک آخرین پهلوانی بود که در عصر ناصرالدین شاه بازوبند پهلوانی گرفته، وی بعد از به‌عنوان محافظ ناصرالدین شاه فعالیت می‌کرده است.

استنباطی^۳ PLS در سطح معنی‌داری (p ≤ ۰/۰۵) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تعیین بار عاملی و آماره‌های توصیفی هر کدام از گویه‌های پژوهش ابتدا نتایج آماره‌های مذکور ارائه می‌شود (جدول ۱).

تعیین روایی ابزار این پژوهش، هرچند پژوهشگران قبلی آن را تأیید کرده بودند (امرام^۱، ۲۰۰۷ و کینگ^۲، ۲۰۰۸ و هیلدبرانت، ۲۰۱۱)، به بازمینی آن در جوامع ورزشی نیاز داشت؛ بنابراین برای استفاده بهتر از نتایج این پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی روایی آن بررسی شد. پایایی ابزار نیز در مطالعه راهنما، با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ α=۰/۷۹۶ به‌دست آمد. در ادامه، اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از شیوه‌های آماری

جدول ۱. آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و بار عاملی مؤلفه‌ها و گویه‌های هوش معنوی

مؤلفه‌ها و سازه	گویه‌ها (شاخص‌ها)	میانگین	انحراف معیار	بار عاملی
تفکر انتقادی وجودی	Q1	۳.۴۱	۱.۲	۰.۷۲
	Q3	۲.۹۴	۱.۳۸	۰.۸۴
	Q5	۳.۴۵	۱.۲۵	۰.۷۱
	Q9	۳.۱۴	۱.۳۷	۰.۷۸
	Q13	۳.۸۲	۱.۱۳	۰.۳۵
	Q17	۳.۸۷	۱.۰۶	۰.۱۱
تولید معنی شخصی	Q21	۳.۱۵	۱.۱۸	۰.۵۴
	Q7	۳.۷۸	۱.۰۱	۰.۱۴
	Q11	۳.۵۷	۱.۲۷	۰.۶۳
	Q15	۳.۵۳	۱.۲	۰.۶۴
	Q19	۳.۸۷	۱.۰۵	۰.۳۷
	Q23	۳.۰۹	۱.۲۴	۰.۴۸
آگاهی	Q2	۴.۰۷	۰.۹۵	۰.۱۷
	Q6	۳.۳۷	۱.۲۶	-۰.۴۳
	Q10	۳.۵	۱.۱۲	۰.۵۴
	Q14	۳.۶۱	۱.۱۳	۰.۴
	Q18	۳.۴۲	۱.۲۱	۰.۴۲
	Q20	۳.۵۹	۱.۳۶	۰.۷۳
توسعه حالت آگاهی	Q22	۳.۶۱	۱.۱۷	۰.۴۷
	Q4	۳.۵۹	۱.۰۹	۰.۶۱
	Q8	۳.۱۴	۱.۱۹	۰.۸
	Q12	۲.۸۷	۱.۱۵	۰.۷۳
	Q16	۳.۵۷	۱.۰۵	۰.۵۵
	Q24	۴.۴۷	۰.۷۹	۰.۰۹
هوش معنوی	تفکر انتقادی وجودی	۳.۴۶	۰.۷۷	۰.۸۹
	تولید معنی شخصی	۳.۶۷	۰.۵۵	۰.۸۲
	آگاهی	۳.۵۹	۰.۵۱	۰.۳۸
	توسعه حالت آگاهی	۳.۲۵	۰.۷۲	۰.۷۸

1. Amram
2. King
3. Partial Least Squares

مناسبتی داشت. همچنین در مؤلفه توسعه حالت آگاهی، سه گویه بار عاملی کافی داشت. بر اساس نتایج، با استفاده از آزمون همبستگی ابتدا به بیان ارتباط بین هر یک از مؤلفه‌ها با یکدیگر و کل سازه (هوش معنوی) پرداخته می‌شود (جدول ۲).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه بار عاملی بیش از ۰/۶ بسیار مطلوب بیان می‌شود، در مؤلفه تفکر انتقادی چهار گویه ضریب بار عاملی خوبی داشتند. در مؤلفه تولید معنی شخصی دو گویه بیشترین بار عاملی را داشتند. در مؤلفه آگاهی تنها یک شاخص سهم بار عاملی

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های سازنده هوش معنوی

نام متغیر	تفکر انتقادی وجودی	تولید معنی شخصی	آگاهی	توسعه حالت آگاهی	هوش معنوی
تفکر انتقادی وجودی	۱				
تولید معنی شخصی	۰/۶۸۷**	۱			
آگاهی	۰/۶۹۲**	۰/۵۲۸**	۱		
توسعه حالت آگاهی	۰/۶۴۵**	۰/۵۳۳**	۰/۴۷۱**	۱	
هوش معنوی	۰/۹۰۳**	۰/۸۳۶**	۰/۷۴۸**	۰/۷۶۱**	۱

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)

* معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

سازه (هوش معنوی) را پوشش دهد، نتایج آماره AVE نشان داد از میان مؤلفه‌های هوش معنوی تفکر انتقادی وجودی و توسعه حالت آگاهی بیشترین توان تبیین واریانس هوش معنوی را داشتند.

جدول ۳. نتایج آزمون PLS در مورد پایایی و واریانس مستخرج از هر مؤلفه

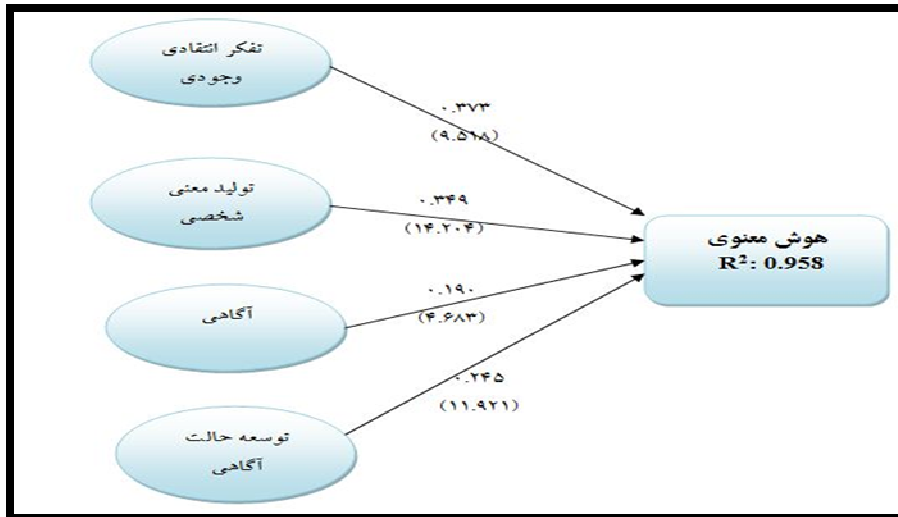
پایایی و واریانس مستخرج هر مؤلفه	مؤلفه‌ها و سازه	AVE	آلفای کرونباخ
تفکر انتقادی وجودی	۰/۳۹۷	۰/۷۲	
تولید معنی شخصی	۰/۲۴۲	۰/۲۰	
آگاهی	۰/۲۳۳	۰/۱۱	
توسعه حالت آگاهی	۰/۳۷	۰/۵۴	
هوش معنوی	۰/۵۵۹	۰/۷۲	

بر اساس نتایج پژوهش ارتباط درونی بین هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی با مفهوم سازه (هوش معنوی) ارائه شده است. (شکل ۲)

نتایج نشان داد بین تمام مؤلفه‌ها (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی) ارتباط مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ برقرار است که نشان‌دهنده ارتباط ساختاری هر یک از مؤلفه‌هاست. همچنین بین تمامی این مؤلفه‌ها با کل سازه (هوش معنوی) ارتباط قابل قبولی در سطح ۰/۰۱ مشاهده شد.

در ادامه، به منظور بیان پایایی و واریانس مستخرج از هر مؤلفه و سازه با استفاده از آزمون PLS واریانس هر مؤلفه و پایایی آلفای کرونباخ آن ارائه می‌شود.

همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، بر اساس آماره‌های ضریب آلفای کرونباخ تنها مؤلفه تفکر انتقادی وجودی سطح پایایی مناسبی دارد (پایایی مؤلفه‌های بیش از ۰/۶ مناسب است) و در کل، پرسشنامه هوش معنوی پایایی مناسبی دارد. همچنین بر اساس واریانس مستخرج برای هر مؤلفه، به‌منظور بیان اینکه هر مؤلفه چقدر توانسته واریانس



شکل ۲. مدل تحلیل میزان تأثیرات مستقیم مؤلفه‌ها بر هوش معنوی (سازه)

بر اساس نمودار فوق مجذور همبستگی تبیین‌شده برای سازه هوش معنوی ($R^2: 0/958$) است که نشان‌دهنده پیشگویی بسیار مناسب مؤلفه‌های هوش معنوی است.

برای ارائه الگوریتم مدل ساختاری مؤلفه‌های هوش معنوی، برآورد هر یک از این مؤلفه‌ها با سازه (هوش معنوی) بیان شد (جدول ۴).

جدول ۴. آماره‌های هر مؤلفه با سازه (مفهوم هوش معنوی)

الگوریتم - مدل ساختاری				
مؤلفه‌ها با سازه	کل برآورد	میانگین زیر نمونه‌ها	خطای استاندارد	آماره T
تفکر انتقادی وجودی - هوش معنوی	0.37	0.37	0.03	9.51
تولید معنی شخصی - هوش معنوی	0.34	0.34	0.02	14.2
آگاهی - هوش معنوی	0.19	0.19	0.04	4.68
توسعه حالت آگاهی - هوش معنوی	0.24	0.24	0.02	11.92

شناختی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی، هوش طبیعی، هوش وجودی و هوش معنوی گسترش یافته است. پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسان و به‌خصوص مطرح شدن هوش هیجانی در روان‌شناسی، ایمونز در سال ۲۰۰۰ سازه جدیدی را با عنوان هوش معنوی مطرح کرد. او بیان کرد هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، توسعه حالت آگاهی و آگاهی به ترتیب بیشترین میزان برآورد هوش معنوی را داشتند این مقادیر بر اساس میزان آماره تی نیز قابل تفسیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر مفهوم هوش تنها به‌عنوان توانایی

افراد تأثیرگذار باشد (۲۲)؛ بنابراین از آنجا که افراد با هوش معنوی زیاد، انعطاف‌پذیرند و توانایی زیاد برای رویارویی با مشکلات و میزان زیادی از هوشیاری نسبت به خویشتن دارند، می‌توان گفت الهام از ارزش‌ها، پرهیز از بد کردن به دیگران، تفکر وحدت-گرا (پی بردن به روابط میان اشیاء و پدیده‌های مختلف)، جستجو برای پاسخ دادن به سؤال‌های اساسی، وابسته نبودن به دیگران و مقاومت در برابر شیوه‌ها و سنت‌های معمول جامعه از ویژگی‌های افراد ورزشکار باشد.

همان‌گونه که مطرح شد، هوش معنوی مفهومی نسبتاً جدید در روان‌شناسی است. این مفهوم در واقع از نگاهی نوین در روان‌شناسی یعنی توجه به معنویت نشئت گرفته است، به‌طوری که مطرح شدن هوش معنوی تحت تأثیر موج معنوی‌گرایی به‌عنوان یک سازه قرار می‌گیرد. در مورد اهمیت موضوع حاضر باید اشاره کرد که ایمونز^۲ (۲۰۰۰) بیان کرد هوش معنوی می‌تواند مطالعات پراکنده در خصوص دین و معنویت را یکپارچه کند و پژوهش‌های جدیدی را در مورد پایه معنوی رفتار فراهم آورد (۱۳).

از طرفی در ادبیات پژوهش روان‌شناسی ورزش به نقش مسائل مذهبی و معنوی ورزشکاران پرداخته نشده است، اما روان‌شناسی وجودی یکی از رویکردهای روان‌شناختی است که معنا، معنویت و مذهب را هسته‌های مرکزی هستی انسان می‌داند. در روان‌شناسی ورزش تعدادی از پژوهش‌ها به نقش و اهمیت روان‌شناسی پدیدارشناختی وجودی در موقعیت‌های ورزشی (۱۴)، عملکرد ورزشی (۱۱) و زمینه‌های کاربردی (۲۳) اشاره نموده‌اند، با این حال در ورزش و فعالیت بدنی به این متغیرها از جمله معنویت و تعالی معنوی و نقش آن در حالات روحی روانی ورزشکاران توجه نشده است، در حالی که به

بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است. هوش معنوی سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب کرده است، در حالی که معنویت جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایی، هوشیاری زیاد و تعالی است. هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعاتی است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیشبینی کند و منجر به تولیدات و نتایجی ارزشمند منجر شود (۲). کاربرد آگاهانه هوش معنوی در زندگی فرد می‌تواند موجب افزایش رابطه با خویشتن، دیگران و جهان بزرگ‌تر شود. آنچه سبب شده است سازه معنویت به‌عنوان هوش مفهوم‌سازی شود مشاهدات و یافته‌هایی است که بیان می‌کنند کاربست الگوهای ویژه‌ای از افکار، هیجان و رفتار در زندگی روزمره می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شوند (۴) به نظر می‌رسد ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی تحت تأثیر عوامل فرهنگی باشد و با توجه به تفاوت‌های افراد در ویژگی‌های شخصیتی، علائق معنوی، زمینه‌ها و اعمال مذهبی - معنوی، مهارت‌ها و ظرفیت‌های وابسته به هوش معنوی نیز متفاوت باشند در حالی که ممکن است هوش معنوی به‌عنوان ویژگی آشکار جهانی دیده شود که به‌طور بالقوه در همه گروه‌های مذهبی نمایان می‌شود. این احتمال وجود دارد که معنا و نحوه ابراز آن در بین گروه‌ها و بافت‌های مذهبی و معنوی مختلف متفاوت باشد (۴)

در ادامه باید اشاره کرد که مطرح شدن هوش معنوی، می‌تواند ظرفیت‌های جدید را در روان‌شناسی دین و آمیخته آن در ورزش فراهم آورد. واتسون و نستی (۲۰۰۵) و زچ (۲۰۰۴) نشان دادند ورزش و فعالیت بدنی نقشی مهم در حالات عرفانی و تجربه‌های معنایی دارد (۱۰، ۲۷). از طرفی، ناسل^۱ (۲۰۰۴) بیان کرد هوش معنوی می‌تواند بر تربیت

2. Emmons

1. Nasel

معنوی (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی) از جمله عوامل مؤثر عنوان شدند، علاوه بر تأیید مطالب ارائه شده در پژوهش‌های قبلی، بهره‌گیری از نتایج آن می‌تواند مباحث تازه‌ای را در ورزش مطرح کند.

ارائه مدل هوش معنوی، مؤلفه‌ها و تأثیرات آن بر باستانی‌کاران، محوری اساسی برای موفقیت و عملکرد بهتر ورزشکاران و سایر گروه‌های علاقه‌مند فراهم می‌کند؛ بنابراین زمینه حضور، مسئولیت اجرا و توجه جدی مربیان و سرپرستان به مباحث حضور معنویت در محیط‌های ورزشی و سایر سازمان‌های ورزشی نکته‌ای است که باید در پژوهش‌های بعدی به آن بیشتر اشاره شود. در نهایت، با توجه به جنبه‌های ساختاری ابزار هوش معنوی و همچنین تعامل منظم ابعاد وجودی باستانی‌کاران، شاید بتوان گفت با تقویت یکی از ابعاد وجودی ورزشکاران مثل بعد جسمانی می‌توان گامی در جهت تقویت ابعاد دیگر، همچون بعد آگاهی یا توسعه حالات شخصی از بعد معنوی آن‌ها برداشت و در نهایت سبب ارتقای سطح جسمانی و روان‌شناختی ورزشکاران شد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان کرد که کشف وجود تجربه‌های معنوی افراد، تعیین حوزه و قلمروهای ویژه در اعصاب، وجود خدا در ساختار معماری مغز در حل مسئله زمینه‌هایی را برای باورپذیری وجود هوش معنوی به دست می‌دهد. پرورش معنویت می‌تواند ورزشکاران را در توجه به تجربه‌های معنوی خود و به‌کارگیری آن در حل مسائل و درک ارزش و معنای زندگی یاری دهد.

در پایان، باید بیان کرد که مطرح شدن هوش معنوی در حوزه ورزش زمینه‌های جدیدی را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد تا در مورد نقش معنویت در احساس و رفتار ورزشکاران به بررسی‌های جدیدی بپردازند و به برخی سؤال‌ها پاسخ دهند؛ به‌عنوان مثال:

نظر می‌رسد این متغیرها نقش مؤثرتری در تعادل روانی ورزشکاران ایفا می‌کنند.

مورفی و وایت (۱۹۹۵) نشان دادند ورزش و فعالیت بدنی نقشی مهم در حالات عرفانی و تجربه‌های معنایی دارد (۲۱). واتسون و نستی (۲۰۰۵) و زچ و همکاران (۲۰۰۴) نیز نشان دادند روان‌شناسی معنوی برای بررسی منابع معنای شخصی در ورزش مؤثر و مفید است (۱۰، ۲۷)؛ بنابراین برای برخی ورزشکاران این مفاهیم وجودی و پدیدارشناختی شامل ابعادی از معنویت از قبیل اعتقادات مذهبی و فلسفه زندگی است (۲۴). این پژوهشگران همچنین بیان کردند که هوش معنوی به ورزشکار اجازه می‌دهد تا جایی که ممکن است موقعیت را تغییر دهند یا بهتر کند و در واقع به ورزشکار اجازه می‌دهد موفقیت را اداره کند.

از آنجا که تعالی معنوی به توانایی افراد برای داشتن دیدگاهی ذهنی و وسیع در مورد زندگی و یافتن احساس عمیقی از معنا و مفهوم زندگی اشاره دارد، تعالی انگیزشی درونی و اساسی است که صرف‌نظر از نیازهای شخصی در جهت رفع نیازهای دیگران به‌کار گرفته می‌شود و دارای سه بعد پیوستگی (احساس مسئولیت‌پذیری شخصی نسبت به دیگران)، کامروایی در عبادت (لذت بردن و خرسندی در عبادت) و کمال (احساس وحدت و هدف در زندگی) است (۱۹).

بنا بر نتایج، مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی از عوامل مؤثر بر سنجش هوش معنوی بودند. این یافته با نتایج کینگ (۲۰۰۸) و هیلدبرانت (۲۰۱۱) همخوان است. به‌طوری که این محققان نقش این عوامل را در تبیین هوش معنوی بسیار مهم دانستند و بر اهمیت آن در سازمان‌ها تأکید کردند. همچنین پیشنهاد کردند برای تأیید نقش مؤلفه‌ها باید روایی آن‌ها در جوامع مختلف بررسی شود. از آنجا که مؤلفه‌های هوش

- ساخت ابزاری برای سنجش آن، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۳(۴)، صص ۶۹-۷۷.
۵. صمدی، پروین. (۱۳۸۵). هوش معنوی، نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲(۴ و ۳)، صص ۹۹-۱۱۴.
۶. فرهنگی، علی اکبر، فتاحی، مهدی، و ائق، بهاره، نرگسیان، عباس. (۱۳۸۸). هوش پیش‌بینی کننده رهبری تحول آفرین: بررسی روابط میان هوش معنوی، هوش عاطفی و رهبری تحول آفرین، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۵)، صص ۳۱-۵۷.
۷. کشاورزی، سمیه، یوسفی، فریده. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری، مجله روانشناسی، ۱۶(۳)، صص ۲۹۹-۳۱۹.

۱. چگونه می‌توان با استفاده از نظریه منسجم ابزارهای مناسب و معتبر با روایی خوب برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی به دست آورد؟
۲. چگونه می‌توان مداخلات لازم برای افزایش هوش معنوی ورزشکاران را با استفاده از نظریه‌های هوش معنوی تهیه کرد و اعتبار و روایی این مداخلات را آزمود؟
۳. در تحول هوش معنوی ورزشکاران تا چه حد بافت فرهنگی - محیطی، خانواده، مربیان، هم‌بازیکنان، تماشاگران و نوع مذهبی که فرد به آن پایبند است، تأثیر می‌گذارد؟
۴. تجربیات مذهبی و معنوی ورزشکاران در طول زندگی، چالش‌های مختلف و کیفیت هویت‌یابی آن‌ها در شکل‌گیری هوش معنوی چه تأثیری می‌گذارد؟

منابع:

۱. جلیلودن، محمد، آریاپوران، سعید، قلخانی، منوچهر، عظیمی راد، جواد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تعالی معنوی با اضطراب رقابتی در ورزشکاران مرد. مجموعه مقالات ششمین همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران، تهران.
۲. رجایی، علی رضا. (۱۳۸۹). هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها. پژوهشنامه تربیتی (دانشگاه آزاد واحد بجنورد)، شماره ۲۲.
۳. سعادت، هیمن، لشنی، لیلا. (۱۳۹۰). رابطه هوش معنوی با راهبردهای مقابله با استرس، توان‌بخشی، ۱۲(۵)، صص ۷۵-۸۰.
۴. سهرابی، فرامرز، ناصری، اسماعیل. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و
8. Amram, J. Y. (2007). The seven dimensions of spiritual intelligence: An ecumenical, grounded theory. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology.
9. Cavanaugh, G. F., & Bandsuch, M. R. (2002). Virtue as a benchmark for spirituality in business. Journal of Business Ethics, 38, 109-117.
10. Czech, D. R., Wisberg, C., Fisher, L. Thomposon, C., & Hayes, G. (2004). The Experience of Christian Prayer in Sport - An Existential- Phenomenological Investigation, Journal of Psychology and Christianity, 2, pp1-9.
11. Dale, G. (2000). Distractions and Coping Strategies of Elite Decathletes during their Most Memorable Performance, The Sport Psychologist, 10, pp 17-41.

21. Murphy, M., & White, R.A. (1995). In the Zone: Transcendent Experience in Sports, London: Penguin.
22. Nasel, D. D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Unpublished doctoral dissertation, University of South Australia, Adelaide.
23. Nesti, M. (2004). Existential Psychology and Sport: Theory and application, London: Routledge.
24. Parry, J., Robinson, S., Watson, N. J., Nesti, M. (2007). Spirituality and sport: a introduction. New York, NY 10016: first published.
25. Tacey, D. J. (2003). The Spirituality revolution: The emergence of contemporary spirituality. Sydney, Australia: HarperCollins Publishers.
26. Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? Journal of Humanistic Psychology, 42/2, pp 16-33.
27. Watson, N.J & Nesti, M. (2005). The Role of Spirituality in Sport Psychology Consulting: An Analysis and Integrative Review of Literature, Journal of Applied Sport Psychology, 17, pp228-239.
28. Wills, T.A., Yaeger, A.M., Sandy, J.M. (2003). Buffering effect of religiosity for adolescent substance use. Psychology of Addictive Behaviors 17 (1), pp. 24-31.
29. Zohar, D., Marshall, I. (2000). SQ, connecting with our spiritual intelligence. New York: Bloomsbury Publishing, p. 324.
12. Doty, J. (2006). Sport builds characters? Journal of college and character, 2(3), pp1-9.
13. Emmons, R.A. (2000). Is spirituality and intelligence? motivation, cognition and the psychology of the ultimate concern. International Journal for the Psychology of Religion, 10(1), pp 3-26.
14. Fahlberg, L. L., Fahlberg, L.A & Gates, K. W. (1992). Exercise and Existence: Exercise behavior from an existential – phenomenological perspective, The Sport Psychologist, 6, pp172-191.
15. Harris, M., Moran, G. (1998). Reshaping religious education: Conversation on conversations on contemporary practice. Louisville, KY, USA: Westminster John Knox press.
16. Hildebrand, Linda S (2011). Spiritual intelligence: is it related to a leader's level of ethical development? A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy Capella University.
17. <http://namaava.com/spirituality/519-1388-12-01-08-25-26.html>.
18. <http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1347635> (سایت خبر گذاری مهر)
19. Joules, S. (2007). THE mediating roles of god attachment between religiosity and spirituality and psychological adjustment in young adults. Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy in the graduate school of the Ohio State University.
20. King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. Master's thesis, Trent University, Peterborough, Ontario, Canada.

